

بررسی تأثیر اشتغال زنان بر خانواده

دکتر سعید معدنی^۱

مریم نژادفلاح^۲

چکیده:

هدف از این مطالعه بررسی تأثیر اشتغال زنان بر خانواده از طریق مقایسه شاغلین آموزش پرورش و شاغلین خودروسازی می‌باشد. با توجه به هدف پژوهش حاضر، این تحقیق از نوع کاربردی و روش مورد استفاده توصیفی از نوع پیمایشی بوده که در آن به منظور جمع آوری داده‌ها از پرسشنامه‌های استاندارد برای سنجش میزان سلامت روانی و میزان رضایت زناشویی استفاده شد و همچنین وضعیت تحصیلی دانش‌آموزان نیز از طریق بررسی میزان معدل تحصیلی آنان تعیین گردید. در این تحقیق از میان شاغلین زن در هر دو گروه ۵۰ نمونه به

^۱ - استادیار گروه جامعه‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی - واحد تهران مرکز، تهران، ایران.

^۲ - کارشناس ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی - واحد تهران مرکز، تهران، ایران.

صورت مساوی استخراج شد و به همین تعداد نیز از شهروندان زن غیر شاغل به عنوان گروه شاهد، به شیوه تصادفی انتخاب گردید. نتایج نشان می‌دهد که زنان غیر شاغل در زمینه سلامت عمومی و رضایت زناشویی وضعیت مطلوب‌تری داشته و تفاوت معناداری با هر دو گروه زنان شاغل نشان داده اند. در ارتباط با وضعیت تحصیلی فرزندان نیز، زنان شاغل در نظام آموزش و پرورش رتبه نخست را به خود اختصاص داده و تفاوت معناداری را با زنان شاغل در صنعت نشان داده‌اند.

کلید واژه‌ها: اشتغال زنان، سلامت عمومی، رضایت زناشویی، وضعیت تحصیلی فرزندان

مقدمه

همگام با تغییرات ساختاری جوامع در قرن حاضر که برخاسته از روند نوگرایی است سازمان‌ها، ارگان‌ها و نهادهای اجتماعی بافت سنتی خود را از دست داده و به مقتضیات زندگی مدرن تن در داده‌اند. افراد نیز به‌منزلهٔ عناصر اجتماعی در داخل سازمان‌ها و در دنیای پویای امروزی ناگزیرند خود را با این واقعیت اجتماعی سازگار می‌کنند. بدین ترتیب نهاد خانواده دستخوش تغییر شده، در کنار دگرگونی نقش‌های والدین، زنان در مقایسه با گذشته وارد فعالیت‌های اجتماعی بیشتری گردیده است و در تأمین نیازهای اقتصادی خانواده ایفای نقش می‌کند (موحدی، ۱۳۸۰).

اشتغال زنان و دستیابی آنان به منابع اقتصادی حاصل کار در خارج از خانه و تسخیر فضاهای تازهٔ اجتماعی توسط آنان، ساختار چند سالهٔ خانواده را تغییر داده و به‌ضرورت، تحوّل نو در خانه پدید آورده است. اما امروزه اوضاع حاکم بر زندگی زنان شاغل در اکثر نقاط دنیا حاکی از آن است که افزون بر نقش‌هایی همچون تدبیر منزل، تربیت فرزندان و همسررداری، که از دیر باز در حوزهٔ مسئولیت و نقش‌های زنان بوده است، با ورود کار بازاری و افزوده شدن فشار دوچندانی را بر جسم و روان زنان آن بر وظایف گذشته، تعدد نقش‌ها تحمیل کرده است. فرایند یاد شده و تعدد نقش‌ها، بر ساختار جامعه، نظام ارزشی، دیدگاه‌های سنتی، پایگاه‌های اجتماعی زن و مرد، ساختار خانواده و روابط سنتی زوج، و از همه مهم‌تر، بر سرنوشت کودکان تأثیری انکار ناپذیر گذارده است (بختیاری، ۱۳۸۸). از مسائل مهم خانواده، بلکه از مسائل مهم زیربنایی ترقی و رشد هر جامعه‌ای، تربیت فرزندان باکمال

است. این مسئله، اساس پیشرفت هر جامعه‌ای در همه شئون زندگی است. بدیهی است که این مسئولیت در جامعه بیش از همه بر عهدهٔ مادران است. همه صاحب‌نظران اتفاق نظر دارند که مؤثرترین پیوند میان مادر و فرزند، مهر و محبت مادری است که اغلب، مواظبت از دیگر جهات را نیز در بردارد که در بخش‌های مختلفی بر فرزندان بویژه در افت تحصیلی آنان متبلور می‌گردد (موسوی، ۱۳۷۸). از سویی دیگر اشتغال زنان علاوه بر تاثیرشان بر سلامت روان و وضعیت تحصیلی آنان در زمینه تأثیر بر روابط خانوادگی و زناشویی نیز مورد توجه قرار گرفته شده است که در زیر به آن پرداخته می‌شود. برخی پژوهشگران به این نکته اشاره کرده‌اند که اشتغال زنان، به دلیل کم کردن فشار اقتصادی از دوش خانواده، رضامندی زوج را از زندگی افزایش می‌دهد. بنابراین زنان شاغل با همسران خود رابطهٔ بهتری دارند (رحیمی، ۱۳۸۹). این سخن به ویژه دربارهٔ خانواده‌هایی که به درآمد زن متکی‌اند و حذف این درآمد شایسته زندگی را از هم می‌گسند، درست به نظر می‌رسد (مرقاتی خوئی، ۱۳۹۰). با این حال کارشناسان بسیاری به پیامدهای منفی اشتغال زنان بر روابط زناشویی تصریح کرده‌اند. بلاد می‌گوید: در بررسی اشتغال روز افزون زنان توجه ما معمولاً به زیان‌هایی جلب می‌گردد که دامن‌گیر کودکان می‌شود، ولی به پیامدهای ناگوار این وضعیت بر روحیهٔ مردان توجه نمی‌کنیم. اگر زن ازدواج کرده، نقش نان‌آوری را بر عهده گیرد، خطر رقابت با شوهر به میان می‌آید که برای وحدت و یکپارچگی خانواده زیان‌آور است. افزون بر این، هنگامی که تقاضای مرتبط با کار و نقش‌های خانوادگی سبب کاستی‌هایی در ایفای نقش‌های خانگی شود، احتمال بروز تنش در روابط زن و مرد افزایش می‌یابد (ساروخانی، ۱۳۸۸). در این زمینه البته باید تحولات ارزشی در میان زنان را نیز در نظر آورد. به گفتهٔ تونی گرن، احترامی را که زنان در گذشته برای همسرانشان قائل بودند اکنون به افراد متعددی انتقال داده‌اند که از لحاظ حرفه‌ای در بازار کار مورد تحسینشان هستند؛ اما تمکین کردن از مرد گناهی مرگ بار و منتهای بی‌احترامی به زن تلقی می‌شود (تونی گرن، ۱۳۸۶). استقلال ستیزه جویانهٔ زن چیزی به مردان نداده است تا از او حمایت کنند؛ به همین دلیل زنان از سوی همسرانشان نیز حمایت نمی‌شوند. (موحدی، ۱۳۸۰). از سوی دیگر فشار ناشی از کار رسمی و کار خانگی، که خستگی زنان را در پی دارد، بر روابط جنسی زوجین تأثیرات ناخوشایندی بر جای می‌گذارد (هایدی روزن باوم، ۱۳۸۵). به طور کلی باید بیان داشت که روابط خانوادگی، تحت تأثیر پویایی نهادهای اجتماعی، با تحول دائم روبه‌روست. با تحول شرایط زیستی و به تبع آن، بروز نیازهای جدید، پیوسته نقش‌ها در حال تغییرند، به

طوری که از اعتبار نقش‌های سنتی روزبه‌روز بیشتر کاسته شده و موجبات دگرگونی آنها فراهم می‌شود. همراه با تغییرات ساختاری جامعه و بر اثر تحولات زندگی خانوادگی، زن خانه‌دار در عین مسئولیت‌های متعارف خود، بیش از پیش، مجبور به کار در خارج از خانه شده است. از طرفی دیگر تأکید کارشناسان بر تأثیر مادر بر تربیت فرزندان، در حقیقت ایدئولوژی پنهان دانش علمی را منعکس می‌کند؛ زیرا آنان معتقدند رفتار مادران می‌تواند نتایج بالقوه مهمی را برای کودکان از سنین خردسالی تا نوجوانی در پی داشته باشد. عشق مادر در کودکی برای سلامت روانی کودک بسیار اهمیت دارد؛ به طوری که این عشق بدون هیچ قید و شرطی در هر زمان باید به فرزند ارزانی شود. این فرض از سویی پارامترهایی را برای تحقیق روان‌شناختی دربارهٔ رشد کودکان با مفهوم پایه‌های امنیتی لازم برای پرورش انسان از ارضای ابتدایی‌ترین نیازها (یعنی نیازهای فیزیولوژی) تا نیاز به امنیت، آسایش و عزت نفس، پدید آورده است. بنابراین تماس اولی و ارتباط عاطفی مادر با فرزند در رشد ذهنی، عاطفی و اجتماعی کودک تأثیری انکارناپذیر برجای می‌نهد. در عین حال، اشتغال زن در سطح وسیع جامعه، به رغم تعهدات دوگانه‌اش الزاماً به معنی بردگی و استثمار او نیست و نباید به چنین تحولی به دیده انکار نگریست؛ زیرا آثار مثبت مادی و معنوی این اشتغال غالباً علاوه بر وضع خود زن، که ضمن کسب درآمد به استقلال و اعتبار اجتماعی بیشتری دست می‌یابد، متوجه همسر و فرزندان او نیز می‌شود. تأثیر اجتماعی عمده این تغییر، دگرگونی روال سنتی در نقش زنان و تقسیم کار درون خانواده است. هر چند که، به رغم پذیرش وسیع اشتغال زنان از جانب طبقات متفاوت اجتماعی ایران، هنوز آن تغییرات فرهنگی که لازمه هماهنگی میان اشتغال زن و تقسیم وظایف و مسئولیت‌ها در خانواده است به طور کامل روی نداده است، بررسی روابط و مناسبات درون خانواده چنین نشان می‌دهد که با زیر سؤال رفتن پاره‌ای از ارزش‌ها و هنجارهای سنتی، نقش زن با تغییراتی روبه‌رو شده است و حاصل این تغییرات بسط و توسعه زمینه فعالیت‌های اجتماعی اوست. رو آوردن زنان به اشتغال در خارج از کانون خانوادگی تأثیری بسزا در ابعاد هویت اجتماعی آنان داشته و این امر، به نوبه خود، موجب افزایش اعتماد به نفس جامعه زنان شده است. احراز موقعیت اجتماعی بهتر با تأثیری که از نظر شخصیتی به جا می‌گذارد، تا حدودی، معضلات ناشی از اشتغال دوگانه را هموار ساخته است. البته نه تنها راه این تحول همیشه هموار نیست، احتمال هم دارد که در اثر تضاد ارزشی، در ایفای نقش‌ها تعارضاتی پدید آید. خطر بروز چنین حالتی بیشتر در مواقعی است که فعالیت شغلی زن با الگوی سنتی همخوانی نداشته باشد. بویژه آنکه، در زندگی سنتی، با تقسیم کار براساس

جنسیت، تحت هر شرایطی، اداره امور خانگی به عهده زن پنداشته می‌شود و براساس همین ارزش‌های سنتی، فعالیت وی در خارج از خانه به معنی تضعیف انسجام خانواده تلقی می‌گردد. تفکیک مشاغل بر حسب جنسیت و پذیرفتن تفاوت در توانایی‌های زن و مرد طرز تفکری است که در بیشتر مواقع بر ذهنیت خود زنان نیز اثر می‌گذارد و موجب دامن زدن بر تعارضات موجود می‌شود. لذا ضرورت دارد تا در این راستا به بررسی تأثیر اشتغال زنان بر خانواده به صورت دو بعدی پرداخته شود در بعد اول به تأثیر این مهم بر روابط یا رضایت زناشویی و در بعد دیگر بر تأثیر این مهم بر فرزندان پرداخته شود و با توجه به موارد مذکور که بر عدم روشن بودن تأثیر مشاغل بر اساس جنسیت اشاره شده است در این تحقیق به این موضوع پرداخته خواهد شد که آیا محل فعالیت زنان و نوع ماهیت کاری آنان بر مؤلفه‌های مورد بررسی، صاحب تأثیر بوده است یا خیر. یکی از سازمان‌هایی که می‌تواند دارای تأثیر متفاوتی نسبت به سایر ارگان‌ها و مؤسسات دیگر داشته باشد، نظام آموزش و پرورش بوده که بویژه می‌تواند در بعد تأثیر بر فرزندان بویژه در زمینه سلامت روان و وضعیت و یا پیشرفت تحصیلی آنان دارای نتایج متمایز باشد همچنین با توجه به آن که تا کنون در این زمینه تحقیقی صورت نپذیرفته است ضرورت دارد تا بر این مهم پرداخته شود.

بنابراین در این مقاله به تأثیر اشتغال زنان به هر سه بعد اشاره شده در فوق یعنی تأثیر بر سلامت روان و وضعیت تحصیلی فرزندان و رضایت زناشویی متعاقب آن پرداخته خواهد شد و در این راستا به بررسی و مقایسه این مؤلفه‌ها در میان زنان شاغل در نظام آموزش پرورش و شاغلین زن در شرکت خودروسازی خودروسازی پرداخته خواهد شد و به این مهم پاسخ داده خواهد شد که اشتغال زنان بر میزان رضایت زناشویی، وضعیت تحصیلی و سلامت روانی فرزندان چه اندازه تاثیرگذار است و آیا تأثیر مثبت داشته و یا منفی؟ و اینکه این پارامترها آیا در میان زنان شاغلی که خود در نظام مقدس آموزش و پرورش مشغول به خدمت به جامعه می‌باشند با زنان سایر ارگان‌ها دیگر، که در این تحقیق شرکت خودروسازی خودروسازی مد نظر بوده است آیا متفاوت می‌باشد؟

اهداف تحقیق

این مطالعه با توجه به ماهیت تحقیق دارای اهداف اصلی و فرعی به شرح ذیل می‌باشد:

۱. بررسی و تعیین تأثیر اشتغال زنان خانواده بر میزان سلامت روانی و عمومی در میان شاغلین زن آموزش پرورش و خودروسازی و زنان خانه‌دار.
۲. بررسی و تعیین تأثیر اشتغال زنان خانواده بر میزان وضعیت تحصیلی فرزندان در میان شاغلین زن آموزش پرورش و خودروسازی و زنان خانه‌دار.
۳. بررسی و تعیین تأثیر اشتغال زنان خانواده بر میزان رضایت زناشویی در میان شاغلین زن آموزش پرورش و خودروسازی و زنان خانه‌دار.

روش شناسی تحقیق

این پژوهش به صورت یک مطالعه موردی، در شهر کرج و در ارتباط با بررسی تأثیر اشتغال زنان بر خانواده (مقایسه شاغلین آموزش پرورش و شاغلین سایپا) انجام شد. بر این اساس این پژوهش از نظر هدف کاربردی، از نوع بررسی به صورت میدانی، از نظر گردآوری داده‌ها به صورت توصیفی و از طبقه پیمایشی بوده است.

۱. جامعه و حجم نمونه

در این تحقیق با توجه بالا بودن حجم نمونه آماری (در مجموع)، از میان شاغلین زن در هر دو گروه ۵۰ نمونه به صورت مساوی استخراج گردید و به همین میزان نیز از شهروندان زن غیر شاغل استفاده شده است (در این گروه از اولیای فرزندان مدرسی که از آنان زنان شاغل در آموزش پرورش در آن مورد بررسی قرار گرفته شده بودند تعیین گردیده شد) تمامی نمونه به صورت تصادفی و با پیش شرط دارا بودن فرزندان دارای سنین ۱۲ الی ۱۸ سال انتخاب گردیده‌اند بر این اساس حجم نمونه آماری کل در تحقیق حاضر برابر بوده است با ۱۵۰ نمونه آماری.

۲. ابزار پژوهش

در این مطالعه از پرسشنامه‌های استاندارد GHQ-28 و Enrich-47 به ترتیب برای سنجش میزان سلامت روانی و میزان رضایت زناشویی استفاده گردید و همچنین وضعیت تحصیلی دانش‌آموزان نیز از طریق بررسی میزان معدل تحصیلی آنان تعیین گردید. سوالات پرسشنامه‌ها و میزان پایایی آن‌ها به انضمام هدف از تکمیل آن‌ها در جدول شماره ۱ آورده شده است.

جدول شماره ۱۰: سوالات پرسشنامه‌ها و میزان پایایی مؤلفه‌های آن

هدف اصلی	پاسخ دهندگان (زنان)			میزان پایایی	نوع پرسشنامه	سوالات	نام پرسشنامه	فاکتورهای مورد بررسی
	عادی	آموزش و پرورش	سایر					
مقایسه وضعیت سلامت روانی خود (زنان)	زنان	زنان	زنان	۰.۹۱	استاندارد	۲۸	GHQ	سلامت روانی
مقایسه وضعیت رضایت زناشویی (آقایان)	زنان	زنان	زنان	۰.۸۴	استاندارد	۴۷	Enrich	رضایت زناشویی
مقایسه وضعیت تحصیلی (فرزندان)	فرزندان	فرزندان	فرزندان	---	---	---	کارنامه	معدل تحصیلی

همان طور که مشاهده می‌گردد در این پژوهش از دو پرسشنامه استاندارد سلامت روانی و رضایت زناشویی به منظور مقایسه وضعیت سلامتی روان زنان و وضعیت رضایت زناشویی آقایان بهره جسته شد و در مقایسه وضعیت تحصیلی فرزندان نیز از معدل تحصیلی دانش آموزان استفاده گردید.

۳. روش تجزیه و تحلیل داده‌ها

به منظور تجزیه و تحلیل داده‌ها نیز با استفاده از نرم افزار SPSS-۲۲ به بررسی و تجزیه و تحلیل آماری توصیفی و استنباطی داده‌ها پرداخته شد. در تحلیل‌های آمار توصیفی از طریق نرم افزار SPSS به بررسی داده‌های استخراج شده از پرسشنامه‌ها در قالب شاخص‌های مرکزی شامل میانگین، مد، میانه، و شاخص‌های پراکندگی شامل: واریانس و انحراف معیار پرداخته شد و همچنین برای تعیین توزیع داده‌ها از نمودار هیستوگرام استفاده گردید. در بخش تحلیل استنباطی نیز در بررسی هر فرضیه با توجه به آن که گروه‌های مورد بررسی بیش از دو گروه بوده است از آنالیز واریانس یک طرفه استفاده شد تا تعیین گردد که آیا میان گروه‌های مورد بررسی اختلاف معناداری در میزان میانگین محاسبه شده در مؤلفه مورد نظر وجود دارد یا خیر برای بررسی درون گروهی آنان که به صورت مجزا به بررسی تفاوت میان گروه‌ها پرداخته شد از آزمون‌های تعقیبی شفه و دانت استفاده گردید.

۴. متغیرهای پژوهش

متغیرهای این پژوهش عبارت هستند از: میزان سلامت روانی شاغلین زن-میزان سلامت روانی زنان غیر شاغل-معدل تحصیلی فرزندان شاغلین زن-معدل تحصیلی فرزندان زنان غیر شاغل-میزان رضایت زناشویی شاغلین زن-میزان رضایت زناشویی زنان غیر شاغل.

نتایج تجزیه و تحلیل داده‌ها

۱. مشخصات دموگرافیک جامعه

نتایج بررسی مشخصات دموگرافیک جامعه مورد مطالعه نشان داد که تعداد ۳۸ مورد از نمونه آماری دارای سن کمتر از ۴۰ سال با میزان فراوانی نسبی ۳۳/۲۵ درصدی نسبت به جامعه کل (۱۵۰)، تعداد ۶۳ مورد دارای رنج سنی ۴۱ الی ۴۵ سال با فراوانی ۴۲ درصدی و همچنین تعداد ۴۹ مورد نیز دارای رنج سنی ۴۶ الی ۵۰ سال با فراوانی ۶۶/۳۲ درصدی بوده‌اند لذا بیشتر گروه مخاطبین این تحقیق را افراد دارای رنج سنی ۴۱ الی ۴۵ سال با میزان فراوانی نسبی ۴۲ درصد از نمونه آماری تشکیل گردید. همچنین در بررسی سطح تحصیلاتی مخاطبین تحقیق نیز مشخص گردید که تعداد ۲۴ مورد از نمونه آماری دارای سطح تحصیلاتی دیپلم با میزان فراوانی نسبی ۱۶ درصدی بوده‌اند که کمترین گروه آماری بوده است این مهم نشان-دهنده کاهش سطح بی‌سوادی در جامعه بویژه در قشر شاغل در بین زنان بوده است. در این میان (زنان دارای سطح تحصیلاتی دیپلم) زنان شاغل آموزش پرورش و خودروسازی خودروسازی نیز نسبت به زنان غیر شاغل آمار پایین‌تری را داشته‌اند. تعداد ۲۵ مورد از نمونه آماری دارای سطح تحصیلاتی فوق دیپلم بوده‌اند که تعداد ۶۷/۱۶ درصد از جامعه آماری را گزارش نموده که بازهم در این گروه تعداد زنان غیر شاغل بیشتر از زنان شاغل مشاهده شده است. در گروه بعدی که بالاترین میزان فراوانی نسبی را با مقدار ۳۳/۴۹ درصد تقریباً نیمی از جامعه آماری را گزارش نموده‌اند مربوط است به سطح تحصیلاتی کارشناسی با میزان تکرار ۷۴ مورد که برخلاف دو گروه تحصیلاتی دیپلم و فوق دیپلم بالاترین مشاهدات برای گروه زنان شاغل بوده است. تعداد نمونه آماری دارای سطح تحصیلاتی کارشناسی ارشد نیز ۲۷ مورد با میزان فراوانی ۱۸ درصدی گزارش گردیده شده است که در این بخش زنان شاغل خودروسازی خودروسازی بالاترین تعداد را به خود اختصاص داده‌اند. با بررسی سوابق شغلی در بین دو جامعه زنان شاغل خودروسازی و شاغل در نظام آموزش و پرورش نیز مشخص گردید که تعداد ۱۵ مورد از جامعه آماری یعنی ۱۵ درصد از کل داده‌ها دارای سابقه شغلی زیر ۵ سال بوده‌اند. در گروه دوم یعنی افراد با سابقه شغلی ۵ الی ۱۰ سال تعداد ۴۲ مورد را با

میزان ۴۲ درصد گزارش نموده‌اند که به لحاظ فراوانی رتبه نخست را نمایش داده. در این بخش تعداد نمونه بیشتر مربوط بوده است به گروه زنان شاغل در خودروسازی سایپا. در گروه سوم یعنی زنان شاغل دارای سابقه شغلی ۱۰ الی ۱۵ سال تعداد ۲۹ مورد را گزارش نموده‌اند. در گروه پایانی (با سوابق شغلی بالاتر از ۱۵ سال) نیز تعداد ۱۴ مورد گزارش گردیده شده است که پایین‌ترین گروه آماری را به خود اختصاص داده است.

۲. نتایج تحلیل توصیفی متغیرهای تحقیق

متغیر سلامت روانی: با توجه به بررسی صورت با استفاده از شاخص‌های مرکزی و پراکندگی داده‌ها در این بخش مشخص گردید که گروه کنترل که در این مطالعه زنان غیرشاغل (۲۴/۳) می‌باشند در مقایسه با دو گروه از زنان شاغل آموزش و پرورش (۸۱/۲) و خودروسازی (۶۴/۲) دارای سلامت روانی مناسب‌تری بوده‌اند. به همین ترتیب زنان شاغل در نظام آموزش و پرورش نیز در مقام مقایسه با زنان شاغل در شرکت خودروسازی خودروسازی از میانگین بالاتری برخوردار بوده (۸۱/۲ < ۶۴/۲). این مهم می‌تواند به دلیل ماهیت شغلی زنان شاغل در خودروسازی خودروسازی و همچنین ساعات طولانی‌تر و عدم برخورداری از تعطیلات تابستانی مشترک با زنان شاغل نظام آموزشی باشد.

معدل تحصیلی فرزندان: در این بخش نیز تحلیل توصیفی داده‌ها نشان داد که زنان شاغل در نظام آموزش پرورش، معدل فرزندانشان نسبت به دو گروه دیگر بالاتر بوده است. میانگین معدل فرزندان این گروه برابر بوده است با ۷۰/۱۷ در مرتبه دوم نمرات معدل تحصیلی فرزندان زنان غیر شاغل با میانگین ۵۳/۱۷ جایگاه دوم را به خود اختصاص داد. در نهایت فرزندان زنان شاغل در خودروسازی خودروسازی نیز با میزان میانگین معدل تحصیلی ۲/۱۵ رتبه آخر را نشان دادند. از این یافته می‌توان این مهم را برداشت نمود که با توجه به شاغل بودن زنان در نظام آموزش پرورش و فرهنگی بودن آنان، فرزندان این گروه بر خلاف انتظار دارای وضعیت تحصیلی مناسبی بوده‌اند اما زنان شاغل در واحد صنعتی نتایجی بر خلاف این نتایج را در ارتباط با معدل فرزندانشان نشان داده‌اند.

رضایت زناشویی: نتایج تحلیل توصیفی این بخش نیز نشان‌دهنده آن بود که زنان غیر شاغل، دارای میزان رضایت زناشویی بالاتر نسبت به دو گروه دیگر بوده‌اند. میانگین میزان رضایت زناشویی این گروه برابر بوده است با ۲۰/۳ میزان رضایت زناشویی زنان شاغل در

آموزش و پرورش با میانگین ۹۳/۲ جایگاه دوم را به خود اختصاص داد و میانگین میزان رضایت زناشویی در زنان شاغل در خودروسازی نیز برابر بوده است با ۸۴/۲ که نسبت به دو گروه دیگر مقدار پایین تری را گزارش نمود.

۳. نتایج فرضیات تحقیق

به منظور بررسی فرضیات تحقیق از تحلیل توصیفی داده‌ها و آزمون استنباط آماری استفاده شده است که نتایج آن به شرح ذیل به ترتیب فرضیات ذکر می‌گردد.

۱- در بررسی فرضیه اول: " بین میزان سلامت روانی و عمومی شاغلین زن آموزش و پرورش و خودروسازی و زنان خانه‌دار تفاوت معناداری وجود دارد. " نتایج آنالیز واریانس یک طرفه نشان داد که فرض عدم برابری میانگین‌ها در گروه‌ها مورد تأیید قرار گرفت ($p < 0.05$). بر این اساس مشخص گردید که میزان سلامت روانی زنان در بین سه جامعه مورد مطالعه به لحاظ آماری دارای اختلاف معناداری با یکدیگر بوده است. برای تعیین این اختلاف از آزمون‌های تعقیبی شفه و دانت استفاده شد. نتایج آزمون شفه نشان داد که بین گروه‌های زنان شاغل در خودروسازی و زنان شاغل در آموزش و پرورش میزان سلامت روانی اختلاف معناداری در سطح اطمینان ۹۵ درصد داشته است. به عبارتی میزان سلامت روانی زنان شاغل در نظام آموزش و پرورش به میزان ۰/۱۹۴ بیشتر بوده است. این اختلاف برای گروه‌های زنان شاغل با زنان غیر شاغل در آزمون دانت مورد بررسی قرار گرفته شد یافته‌ها نشان داد که زنان شاغل در خودروسازی نسبت به زنان غیر شاغل در زمینه سلامت روانی اختلاف معناداری را با میزان تفاوت میانگین ۰/۶۲۷ در سطح اطمینان ۹۹ درصدی نشان داده‌اند. به عبارتی زنان غیر شاغل از میزان سلامت روانی بالاتری برخوردار بوده‌اند. این اختلاف برای گروه زنان شاغل در آموزش و پرورش با زنان غیر شاغل میزان ۰/۴۳۳ بوده که در سطح اطمینان ۹۹ درصد نیز معنادار بوده است. به عبارتی گروه زنان شاغل در آموزش و پرورش نسبت به زنان غیر شاغل از میزان سلامت روان پایین تری برخوردار بوده‌اند. در نتیجه: سلامت روانی زنان غیر شاغل < زنان شاغل در آموزش و پرورش < زنان شاغل در خودروسازی سایپا.

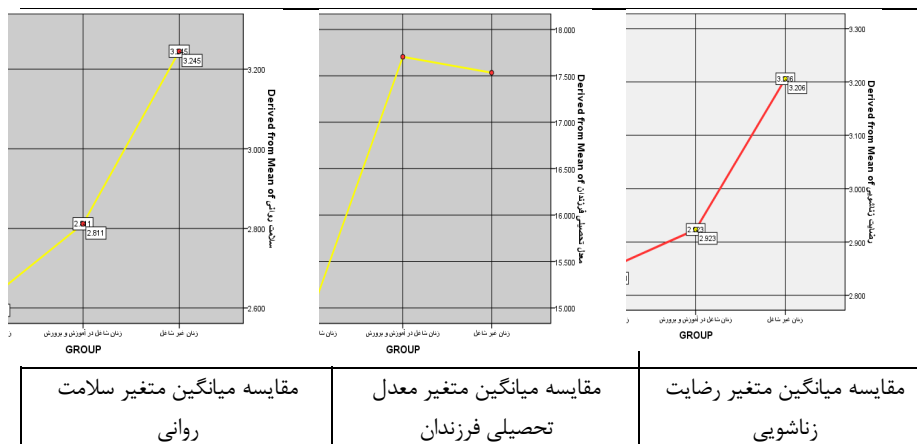
۲- در بررسی فرضیه دوم: " بین معدل تحصیلی فرزندان شاغلین زن آموزش و پرورش و خودروسازی و زنان خانه‌دار تفاوت معناداری وجود دارد. " نتایج آنالیز واریانس یک طرفه نشان داد که فرض عدم برابری میانگین معدل‌های تحصیلی فرزندان در گروه‌ها مورد تأیید قرار گرفته شد ($p < 0.05$). نتایج آزمون شفه دلالت بر این داشت که بین گروه‌های زنان شاغل در

خودروسازی و زنان شاغل در آموزش و پرورش میزان معدل تحصیلی فرزندان اختلافی معناداری را در سطح ۹۹ درصد نشان داده است. به عبارتی میزان معدل تحصیلی فرزندان زنان شاغل در نظام آموزش و پرورش به میزان ۶۸/۲ نمره بیشتر از معدل تحصیلی فرزندان زنان شاغل در خودروسازی بوده. همچنین نتایج آزمون دانت نشان داد که زنان شاغل در خودروسازی نسبت به زنان غیر شاغل در زمینه معدل تحصیلی فرزندان اختلاف معناداری را با میزان تفاوت میانگین ۵۰/۲ در سطح اطمینان ۹۹ درصدی نشان داده‌اند. به عبارتی زنان غیر شاغل از میزان معدل تحصیلی فرزندان بالاتری برخوردار بوده‌اند. این اختلاف برای گروه زنان شاغل در آموزش و پرورش با زنان غیر شاغل میزان ۰/۱۷۱ بوده که در سطح اطمینان ۹۵ درصد نیز معنادار نبوده است. به عبارتی فرزندان گروه زنان شاغل در آموزش و پرورش نسبت به زنان غیر شاغل از معدل تحصیلی متفاوتی برخوردار نبوده‌اند. در نتیجه: معدل تحصیلی فرزندان آموزش و پرورش < در زنان غیر شاغل < در زنان شاغل در خودروسازی سایپا می‌باشد.

۳- در بررسی فرضیه سوم: " بین معدل رضایت زناشویی شاغلین زن آموزش پرورش و خودروسازی و زنان خانه‌دار تفاوت معناداری وجود دارد. " نتایج آنالیز واریانس یک طرفه نشان داد که فرض عدم برابری میانگین رضایت زناشویی در گروه‌ها مورد تأیید قرار گرفته شد ($p < 0.05$). نتایج آزمون شفه نشان داد که بین گروه‌های زنان شاغل در خودروسازی و زنان شاغل در آموزش و پرورش میزان رضایت زناشویی اختلافی معناداری در سطح ۹۵ درصد نداشته‌اند. به عبارتی میزان رضایت زناشویی زنان شاغل در نظام آموزش و پرورش به میزان ناچیز ۰۰۷۵ بیشتر از رضایت زناشویی زنان شاغل در خودروسازی بوده است. همچنین نتایج آزمون دانت نشان داد که زنان شاغل در خودروسازی نسبت به زنان غیر شاغل در زمینه رضایت زناشویی اختلاف معناداری را با میزان تفاوت میانگین ۰۰۳۵۷ در سطح اطمینان ۹۵ درصدی داشته‌اند. به عبارتی زنان غیر شاغل از میزان رضایت زناشویی بالاتری برخوردار بوده‌اند. این اختلاف برای گروه زنان شاغل در آموزش و پرورش با زنان غیر شاغل میزان ۰۰۲۸۲ بوده که در سطح اطمینان ۹۵ درصد نیز معنادار نبوده است. به عبارتی رضایت زناشویی گروه زنان شاغل در آموزش و پرورش نسبت به زنان غیر شاغل از رضایت زناشویی متفاوتی برخوردار نبوده‌اند. در نتیجه: رضایت زناشویی زنان غیر شاغل < در زنان شاغل آموزش و پرورش < در زنان شاغل در خودروسازی سایپا می‌باشد.

این یافته‌ها در تصویر شماره ۱ آورده شده است.

تصویر شماره ۱: مقایسه میانگین متغیرها به تفکیک گروه‌ها



۵. مقایسه یافته‌ها

۴- در این مطالعه از نظریات مختلفی در ارتباط با اشتغال زنان به موضوع پرداخته شد. بر اساس نظریه گیدتر زنان شاغل به نسبت زنان خانه‌دار فرصت کم‌تری برای خود (استراحت، ورزش، تفریح، رفت و آمدهای خانوادگی، معاشرت با دوستان و...) دارند در نتیجه همین امر طولانی مدت اثرات روانی منفی بر زنان دارد و در نتیجه همین اثرات منفی بر زندگی زناشویی و ارتباط با همسر هم تأثیرگذار است. می‌توان با توجه به نتایج بدست آمده در این مطالعه بیان داشت که یافته‌های این تحقیق در بخش زنان شاغل صنعتی همسویی داشته است و در غالب موارد شرایط متفاوت کاری این زنان، طولانی بودن ساعات کاری و عدم برخورداری از تعطیلات و مزایای دیگر در زنان شاغل آموزش و پرورش، باعث گردیده است که اشتغال آنان بر خانواده و فرزندان تأثیرگذار باشد. اما این یافته با نظریه پارسوتر نامسو بوده و آن را رد می‌نماید. این نظریه پرداز بر این اعتقاد بوده است اشتغال زنان فارغ از چگونگی ارائه خدمات آنان به جامعه آثار سویی بر خانواده دارد اما این مطالعه نشان می‌دهد باید این موضوع را برحسب شرایط شغلی و سازگاری شغل با روحیات و عواطف زنان مورد قضاوت قرار داد چرا که در این مطالعه مشخص گردید که در غالب موارد زنان شاغل در نظام آموزش و پرورش نتایج مثبتی را نسبت به زنان شاغل در صنعت نشان داده و بویژه در زمینه وضعیت تحصیلی فرزندان تأثیر مثبتی را

نشان داده‌اند. این مهم در ارتباط با نظریات کارکردگرایان نیز صادق است آنان نیز فعالیت و اشتغال زنان را مضر دانسته و بدون تمایز قائل شدن بین شغل‌ها اشتغال زنان را رد می‌نمایند. برخی از محققین نیز همانند آندره میشل از منظر متفاوتی به موضوع نگریسته و تأثیر باورها و فرهنگ‌های متفاوت را در پذیرش و یا عدم پذیرش اشتغال زنان مد نظر قرار داده است. حسینی و همکاران (۱۳۸۴) اشتغال زنان را مورد بررسی قرار داده و اشتغال زنان را مثبت ارزیابی نموده‌اند و بیان داشته‌اند که، ایجاد فرصت‌های شغلی پاره وقت با در نظر گرفتن شرایط زنان و معیارهای اسلامی از سوی دولت و استفاده از آموزه‌های اسلامی جهت آگاه سازی زنان از نقش شغلی خود و معیارهای متناسب با آن و همچنین آگاهی از حقوق خود از جمله حق تحصیل، داشتن دارایی و درآمد مستقل و نقش‌های جنسیتی در سطح خانواده و جامعه ضروری به نظر می‌رسد و برای این کار رسانه‌های جمعی آموزش و پرورش و روحانیون می‌توانند نقش مؤثری ایفا کنند. نتایج تحقیق آذربایجانی (۱۳۸۸) نیز در نگاهی دیگر تحت عنوان «اسلام و اشتغال زنان» به بررسی اشتغال زنان پرداخته و نشان داد که حق اشتغال زنان در پیشه‌های مشروع، ثابت شده و الگوی درست اشتغال از دیدگاه اسلام الگویی است که با در نظر داشتن فرصت‌های شغلی و جنسیت، اهمیت خانه‌داری در اقتصاد، برتر دانستن اشتغال نیمه وقت، حفظ حریم زنان شاغل در محیط کار و تسهیلات لازم برای آنان، حمایت از مشاغل روستایی و توجه همه جانبه به ارزش‌های اسلامی تنظیم شده باشد. بستان (۱۳۸۵) نیز در تحقیق خود تحت عنوان «بازنگری نظریه‌های نقش جنسیتی» ضمن بازنگری مهم‌ترین نظریه‌های خرد و کلان نقش جنسیتی، تلاش کرده است که تبیینی چند علیتی و منطبق با آموزه‌های دینی ارائه دهد در این تبیین ابعاد متنوع زیستی، روانی و اجتماعی مورد توجه قرار گرفته و سهم هر یک از عوامل و نحوه ارتباط آنها با یکدیگر مشخص شده است. پذیرش تأثیر اعدادی تفاوت‌های جنسی طبیعی در شکل‌گیری نقش‌های جنسیتی در عین انکار جبرگرایی، مهم‌ترین نتیجه این تحقیق است. اما نتایج تحقیق جاراللهی تحت عنوان «اثر اشتغال زن در خانواده کاری» که در سال ۷۲-۷۱ انجام شده است نیز به صورت غیر مستقیم نتایج مطالعه حاضر را مورد تأیید قرار داده است و اشتغال زنان را مثبت ارزیابی نموده است یافته‌های این پژوهش به شرح ذیل بوده است: (۱) علی‌رغم مخالفت اکثر زن و شوهرهای مورد بررسی با اشتغال زن، ۶/۸۴ از زنان به خاطر نیاز مالی شاغل شده‌اند. اشتغال آنان وضع اقتصادی خانواده را بهبود بخشیده است تا جایی که نسبت به زنان خانه‌دار از رفاه بیشتری برخوردار شده‌اند و درآمد این زنان بیشتر صرف خوراک و مسکن

می‌شود و سایر نیازها حتی لباس اهمیت چندانی ندارد. ۲) زنان شاغل در مقایسه با زنان غیرشاغل از قدرت تصمیم‌گیری بیشتری در امور زندگی خود برخوردارند. بالا رفتن سن و سطح سواد زنان، قدرت تصمیم‌گیری زنان شاغل را افزایش می‌دهد، ولی در قدرت تصمیم‌گیری زنان غیرشاغل اثری ندارد. ۳) زنان شاغل بیش از زنان غیرشاغل از همکاری همسران خود در کارهای خانه برخوردارند.

۵-۵- سروش در تحقیق خود تحت عنوان « بررسی جامعه‌شناسی قدرت در خانواده » در سال ۱۳۷۷ در شهر تهران نشان داد که قدرت مردان در خانواده‌های زنان شاغل رو به کاهش است و در بیشتر خانواده‌های زنان شاغل، الگوی تشریک مساعی در امور تصمیم‌گیری خانواده وجود دارد. خانواده‌های زنان شاغل در مقابل غیرشاغل از ساخت دموکراتیک بالاتری برخوردار هستند.

۶- سعیدیان در پژوهشی تحت عنوان « بررسی رابطه بین ساختار قدرت در خانواده با تعارضات زناشویی » در دانشگاه تربیت معلم تهران در سال ۱۳۸۲ به بررسی ارتباط میان ساختار قدرت در خانواده با تعارضات زناشویی پرداخته است. از یک نمونه در دسترس شامل ۶۷ زن و مرد در این مطالعه استفاده شده است. در این پژوهش این گونه بحث شد که بین ساختار قدرت در خانواده با ۱- تعارضات زناشویی ۲- تملک ارزشمند (تحصیلات زوجین، درآمد زوجین، تملک دارایی زوجین) ۳- متغیرهای جمعیتی (بعد خانواده، مدت ازدواج، فاصله سنی زوجین و مرحله چرخه زندگی) ارتباط وجود دارد. نتایج نشان داد که بین ساختار قدرت خانواده با تعارضات زناشویی ارتباط وجود دارد و دو فرضیه دیگر مبنی بر ارتباط میان ساختار قدرت خانواده با تملک منابع ارزشمند و متغیرهای جمعیتی به دلیل عدم معناداری رابطه مورد تأیید قرار نگرفت. در همین راستا زو و بیان (۲۰۰۵) نشان داده‌اند که چگونه دسترسی زنان چینی به منبع کار و درآمد، از یک سو به صورت مستقیم نقش آنها را در تصمیم‌گیری‌های خانوادگی افزایش داده و از سوی دیگر به صورت غیرمستقیم با تعدیل نگرش‌های نقش جنسیتی و ایدئولوژی جدایی‌طلبی جنسیتی، موقعیت آنان را در روابط قدرت با شوهرانشان بهبود بخشیده است؛ بدین ترتیب، افزایش منابع قدرت‌آور مانند اشتغال و درآمد در بین زنان، وضعیت ایشان را در روابط خانوادگی بهبود می‌دهد و این فرایند با کم‌رنگ شدن ایدئولوژی جنسیت‌گرا سرعتی بیشتر گرفته است. اما نتایج این مطالعه با نظر بختیاری ۱۳۸۸ را رد نموده است بختیاری در ارتباط با تأثیر اشتغال مادران و وضعیت تحصیلی فرزندان بیان می‌دارد که بررسی‌های پرشماری درباره تأثیر اشتغال

مادران بر پیشرفت تحصیلی فرزندان‌شان صورت گرفته است، ولی هنوز افرادی معتقدند هیچ مدرک علمی مبنی بر اینکه اشتغال مادر برای پیشرفت تحصیلی کودک «بد» است، وجود ندارد. در صورتی که نتایج این مطالعه نشان می‌دهد شرایط متفاوت شغلی زنان بر وضعیت و عملکرد تحصیلی فرزندان می‌تواند تأثیر منفی بگذارد. همچنین در همین راستا ولادیس (۲۰۰۷) نیز عنوان می‌دارد که همان گونه که اکثر مردم می‌دانند، بعضی از والدین وقتی فرزندان‌شان از مدرسه به خانه می‌رسند در خانه حضور ندارند. بنابراین کسی نیست که به آنها بگوید تکالیفشان را انجام دهند، و در نتیجه آنان به راحتی مشغول تماشای تلویزیون می‌شوند. از این روی، کودکانی که مادرانشان کار تمام وقت دارند، به رسیدن به سطح نمرات عالی، مانند همسالانشان، علاقه کمتری نشان می‌دهند.

منابع

الف) فارسی

۱. ادیبی، حسین، انصاری، عبدالمعبود (۱۳۵۸) نظریه‌های جامعه‌شناسی، تهران، انتشارات جامعه
۲. آذربایجانی، مسعود (۱۳۸۸). «اسلام و اشتغال زنان»، فصل نامه تخصصی طهورا در عرصه مطالعات زنان و خانواده، سال دوم، شماره چهارم.
۳. آذربایجانی، مسعود (۱۳۸۹) اشتغال زنان در جامعه. نشریه یاس. ماهنامه فرهنگی اجتماعی و اطلاع رسانی، شماره ۱۴، معاونت فرهنگی تربیتی حوزه‌های علمیه خواهران، تهران.
۴. بتول موسوی (۱۳۷۸)، بررسی اشتغال زنان متأهل و مشکلات آنان، پایان‌نامه کارشناسی ارشد علوم اجتماعی، ص ۷۰.
۵. بتول موسوی (۱۳۸۷) بررسی اشتغال زنان متأهل و مشکلات آنان پایان نامه کارشناسی ارشد علوم اجتماعی، دانشگاه الزهراء، تهران.
۶. بختیاری، آمنه. (۱۳۸۸) "تأثیر اشتغال زنان بر خانواده" تهران. انتشارات دفتر مطالعات و تحقیقات زنان. (به سفارش مرکز امور زنان و خانواده ریاست جمهوری)
۷. بستان نجفی (۱۳۸۵)، حسین «اسلام و جامعه شناسی خانواده»، سایت مرکز تعلیمات اسلامی واشنگتن - کتابخانه معارف اسلامی.

۸. بیل مک کیین (۱۳۸۲) " تأملی درباره خانواده تک فرزندی " سیاحت غرب. پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما، شماره ۶
۹. پاترک نولان و گرهارد لنسکی (۱۳۸۶) جامعه‌های انسانی، مقدم‌های بر جامعه‌شناسی کلان. ترجمه ناصر موفقیان، تهران، نشر نی، چاپ اول.
۱۰. پاملا ابوت و کلر والاس (۱۳۸۸) جامعه‌شناسی زنان ترجمه منیژه نجم عراقی. نشری نی. تهران. چاپ نهم
۱۱. پرویز شهریاری (۱۳۸۸) اشتغال زنان در ایران و بررسی نگرش مردان به اشتغال زنان، پایان نامه کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی. دانشگاه آزاد اسلامی علوم و تحقیقات. تهران
۱۲. تونی گرت (۱۳۸۳)، "زن بودن" ترجمه فروزان گنجی زاده، تهران، ورجاوند.
۱۳. جارالهی، عذرا (۱۳۷۱)، "تاریخچه اشتغال زن در ایران" فصلنامه علوم اجتماعی. دوره ۴ شماره ۲.
۱۴. جسیکاندرسون (۱۳۸۵) " افتخار مادر بودن " مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما، قم، شماره ۳۳، فروردین ۱۳۸۵.
۱۵. جمشید بهنامی، (۱۳۸۹) تحولات خانواد، ه ترجمه محمد جعفر پوینده، نشر ماهی تهران.
۱۶. حافظ نیا، محمدرضا (۱۳۸۳). مقدمه‌ای بر روش تحقیق در علوم انسانی، تهران، سمت، چاپ اول.
۱۷. حافظ نیا، محمدرضا (۱۳۸۷). مقدمه‌ای بر روش تحقیق در علوم انسانی، تهران، سمت، چاپ اول،
۱۸. حسینیان، سیمین. کرمی، ابوالفضل. امینی، محمد (۱۳۸۴) بررسی مقایسه‌ای عوامل مؤثر بر ساختار قدرت در بین خانواده‌های زنان شاغل و غیرشاغل- زنان پژوهش فصل‌نامه. شماره ۳ دوره دوم.
۱۹. خاکی؛ غلامرضا. (۱۳۸۶). روش تحقیق با رویکردی به پایان‌نامه نویسی. چاپ دوم. تهران انتشارات بازتاب
۲۰. خسرو تقدسی نیا، (۱۳۸۸). احکام اختصاصی دختران و زنان. انتشارات ائمه. قم. چاپ سوم.
۲۱. خلیلی شورینی، سیاوش (۱۳۸۸). روش‌های تحقیق در علوم انسانی، مؤسسه انتشارات یادواره کتاب.

۲۲. داد اولسون و همکاران، (۱۳۸۹) خانواده درمانی ترجمه شکوه نوابی نژاد. تهران. نشر مهرگان. چاپ سوم.
۲۳. دانایی فرد، حسن؛ الوانی - سید مهدی؛ آذر، عادل. (۱۳۸۲). روش شناسی پژوهش کمی در مدیریت: رویکرد جامع (ترجمه و تالیف). چاپ دوم. تهران: انتشارات صفار
۲۴. دکاری، فرانسین و کریستین کوربی (۱۳۷۶). "ساختارهای جدید خانواده" پیام یونسکو شماره ۲۳۰. مرداد. ۱۳۷۶
۲۵. دلاور، علی (۱۳۸۵) راهنمای تحقیق و ارزشیابی، تهران: انتشارات ارسباران.
۲۶. رزمی، امیر حسین. (۱۳۸۹). نگاهی جامع به آمار کاربردی. چاپ اول. تهران: انتشارات قائم
۲۷. رستگار خالد، امیر (۱۳۸۶) سنجش تعارض نقشهای شغلی و خانوادگی و عوامل اجتماعی مؤثر بر آن پایان نامه دکتری، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه. تربیت مدرس.
۲۸. روزن باوم، هایدی، (۱۳۸۶) خانواده به منزله ساختاری در مقابل جامعه ترجمه. محمد صادق مهدوی، تهران، مرکز نشر دانشگاهی، تهران.
۲۹. ریتزر، جورج (۱۳۷۷) نظریه جامعه‌شناسی در دوران معاصر (ترجمه محسن ثلاثی) تهران نشر نی
۳۰. زعفرانچی لیلادادات (۱۳۸۸) بررسی وضعیت اشتغال زنان در ایران. دفتر مطالعات و تحقیقات زنان انتشارات مرکز امور زنان و خانواده ریاست جمهوری. تهران. تابستان ۱۳۸۸.
۳۱. ساروخانی، باقر (۱۳۵۴) اشتغال زن و تاثیر آن بر خانواده. مجله جامعه‌شناسی معاصر، سال دوم. شماره اول.
۳۲. ساعتچی. محمود، کامکاری. کامبیز، اسکریان. مهناز (۱۳۸۹) آزمونهای روان شناختی. نشر ویرایش
۳۳. سروش، سمیه (۱۳۷۷). «بررسی جامعه‌شناسی تغییر قدرت در خانواده»، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه الزهراء (س).
۳۴. سعیدیان، فاطمه (۱۳۸۲). «بررسی رابطه بین ساختار قدرت در خانواده با تعارضات زناشویی»، پایان نامه کارشناسی ارشد رشته مشاوره، دانشگاه تربیت معلم تهران.
۳۵. سفیری، خدیجه (۱۳۷۷) جامعه‌شناسی اشتغال زنان، تهران موسسه فرهنگی انتشاراتی تبیان

۳۶. سلیمانیان، علی اکبر (۱۳۸۳). بررسی تفکرات غیر منطقی بر اساس رویکرد شناختی بر نارضایتی زناشویی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه تربیت معلم. دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی

۳۷. شاهی عبدالستار، غفاری ابراهیم، قاسمی فلاورجانی خلیل (۱۳۹۰) تعیین رابطه بین سلامت روان و رضایتمندی زناشویی در زوج‌های مناطق آسیب خیز شهر گرگان بهبود- سال پانزدهم، شماره دوم، خرداد و تیر ۱۳۹۰- دو ماهنامه علمی پژوهشی دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه.

۳۸. شکوه نوابی نژاد (۱۳۸۷) "روانشناسی زن" انتشارات انجمن اولیا و مربیان، تهران. چاپ هفتم.

۳۹. شیخی، محمدتقی (۱۳۸۰) جامعه‌شناسی زنان و خانواده، تهران: شرکت سهامی انتشار

۴۰. صدیق اورعی، غلامرضا (۱۳۸۴) "توسعه اقتصادی و اشتغال زنان" نشریه پیام زن. شماره ۴۹. فروردین ۱۳۸۴.

۴۱. عصمت السادات مرقاتی خوئی (۱۳۹۰)، بررسی و مقایسه مشخصات فردی و خانوادگی زنان شاغل راضی و ناراضی از روابط جنسی در زندگی زناشویی در دانشگاه‌های وابسته به وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی شهر تهران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشکده پرستاری، ص ۳۷.

۴۲. علویون، سید محمد رضا (۱۳۸۹) کار زنان در حقوق ایران و حقوق بی‌المللی کار. انتشارات برگ سبز. چاپ سوم.

۴۳. علویون، سید محمد رضا (۱۳۸۹) کار زنان در حقوق ایران و حقوق بی‌المللی کار. انتشارات برگ سبز. چاپ سوم.

۴۴. فرجاد، محمد حسین (۱۳۸۵)، آسیب شناسی اجتماعی و جامعه شناسی انحرافات. چاپ هفتم، انتشارات بدر، تهران.

۴۵. فرقانی، هادی (۱۳۸۹). بررسی رابطه بین انگیزش تحصیلی و عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان پسر شهرستان دیواندره استان کردستان. دانش و پژوهش در علوم تربیتی - شماره پانزدهم - پاییز ۱۳۸۹ - صص ۵۶ - ۶۸

۴۶. فرهادی، مهر انگیز، (۱۳۸۴) زنان در بازار کار ایران. انتشارات روشنگر ان و مطالعات زنان، چاپ سوم. تهران.

۴۷. فصلنامه تخصصی علوم اجتماعی دانشگاه آزاد اسلامی واحد شوشتر، شماره هفتم

۴۸. کاتوزیان، ناصر، (۱۳۸۲) حقوق مدنی خانواده، ه جلد دوم چاپ دهم، بهمن برنا،
۴۹. کارولین گراگلیا، فمینیسم در امریکا تا سال ۲۰۰۳، (۱۳۸۵) جلد دوم (آرامش در خانه) ترجمه معصومه محمدی دفتر نشر معارف، تهران
۵۰. کرد تمینی بهمن، (۱۳۹۱)، نقش ازدواج مجدد در سلامت روانی همسران و فرزندان شاهد استان سیستان و بلوچستان، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی علوم و تحقیقات تهران.
۵۱. گرت، استفانی (۱۳۸۲) جامعه‌شناسی جنسیت، ترجمه کتایون بقایی، تهران: نشر دیگر، چاپ دوم
۵۲. گیدنز، آنتونی (۱۳۸۷) جامعه‌شناسی (ترجمه منوچهر صبوری) تهران، نشر نی
۵۳. گیدنز، آنتونی، (۱۳۸۳) جامعه‌شناسی ترجمه منوچهر صبوری، نشر نی، تهران،
۵۴. مرکز امور مشارکت زنان، توسعه و تعدد نقش‌ها، تهران انتشارات برگ زیتون
۵۵. مشیرزاده حمیرا، (۱۳۸۶) از جنبش تا نظریه اجتماعی، تاریخ دو قرن فمینیسم، چاپ سوم، نشر پژوهش شیرازه. تهران.
۵۶. ملا احمد رحیمی هما (۱۳۸۹)، بررسی پیامد اشتغال برای زنان شاغل و فرزند اول آنها. پایان نامه کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی، دانشگاه شیراز.
۵۷. موحدی، بهناز (۱۳۸۰)، زنان توسعه و تعدد نقش‌ها، تهران، انتشارات برگ زیتون.
۵۸. میشل، آندره (۱۳۸۲) پیکار با تبعیض جنسی، ترجمه محمدجعفر پوینده، تهران: نشر چشمه.
۵۹. میشل، آندره، (۱۳۵۴) جامعه‌شناسی خانواده و ازدواج ترجمه فرنگیس اردلان، انتشارات دانشگاه تهران
۶۰. هایدی روزن باوم (۱۳۸۵)، خانواده به منزله ساختاری در مقابل جامعه، ترجمه محمد صادق مهدوی، ص ۱۳۰.
۶۱. هلن ویکلنسن. (۱۳۸۹) " برخی واقع نگری‌ها در جنبش زنان" ترجمه نوشین احمدی خراسانی. تهران. انتشارات برگ سبز.
۶۲. هما ملا احمد رحیمی (۱۳۸۹)، بررسی پیامد اشتغال برای زنان و فرزند اول آنها، پایان نامه کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه شیراز.
۶۳. ویلیام گاردنر (۱۳۸۴) جنگ علیه خانواده ترجمه معصومه محمدی، دفتر مطالعات و تحقیقات زنان. قم.

(ب) انگلیسی

1. Ducket, (1950) Maternal Employment and The Quality of Daily Experience for Young Adolescents of Single Mothers.
2. Flexner, E. , (1959) “Century of Struggle”, in: The Women’s Right Movement in The United States, Cambridge, Belknap, Press of Harvard University.
3. R. Rapp and E. Ross. (1983) “The Twenties Backlash: Compulsory Heterosexuality The Consumer Family and The Waning of Feminism”. in: H. Lessinger and A. Swerdlow, eds. , Class, Race and Sex, Boston, G. k. Hall & Co.
4. Wladis Hoffman (2007) , The Effects of the Mother's Employment of the Family and the Child,
5. Zuo, Jiping, and Yanjie Bian. (2005). “Beyond Resources and Patriarchy: Marital Construction of Family Decision Making Power in Post-Mao Urban China. ” Journal of Comparative Family Studies 36 (4): 601–622.

The Effect of Women's Employment on Family

Saeed Maadani¹ and Maryam Nezhadfallah²

Abstract

This study sought to examine the effect of women's employment on family through comparison of education and automobile industry employees. The research was of descriptive-survey type and to collect data, standard questionnaires were used to measure mental health and marital satisfaction. Children's educational status was also determined through their GPAs. Two 50-member sample groups were extracted from the population under study. The same number of unemployed women citizens was randomly chosen as the control group. Results indicated that, in respect to general health and marital satisfaction, unemployed women had a better condition and had a significant difference with both employed groups. In regard to children's educational status, women employed in education stood first and had a significant difference with employees in industry.

Key words: women's employment, general health, marital satisfaction, children's educational status

1 Assistant Prof. of Sociology Department, Islamic Azad University, Central Tehran Branch, Tehran, Iran

2 M.A Holder of Sociology, Islamic Azad University, Central Tehran Branch, Tehran, Iran

**The Effect of Staff's Personality Features on Organizational
Citizenship Behavior (OCB) (Case of Study: Economic and Assets
Affairs Ministry)**

Javad Mehrabi¹ and Aliakabr Esmaeelabadi²

Abstract

This Study sought to examine the effect of staff's personality features on organizational citizenship behavior (OCB) in Tehran. It aimed to investigate correlation between personality features (dutifulness, extroversion, depression, adaptation and sociability) and OCB; and to determine the type of mathematical function of this correlation and its ideal point if existing. The population included Economic and Assets Affairs Ministry's staff (205) from among whom 112 members were chosen as the sample based on stratified random sampling. The data gathering instrument was 2-part questionnaire including 5 dimensions of personality features (based on Padsakov's model). The present questionnaire was verified in respect to validity and reliability. To analyze data, non-linear regression test was used. Results indicated that there were correlations among all personality features and OCB. From among 5 features of personality, sociability, adaptation, dutifulness, depression, and extroversion had respectively the highest effect on OCB among the above-mentioned staff.

Key words: OCB, sociability, adaptation, dutifulness, depression, extroversion

1 Faculty Member of Governmental Management Department, Islamic Azad University, Qazvin Branch, Qazvin, Iran

2 M.A Holder of Divisions and Methods, Islamic Azad University, Qazvin Branch, Qazvin, Iran

Designing a Local Measurement and Diagnosis Scale for Mal-Reading in Primary School Kids with Regard to Persian Language Features

Mahtab Sabzevari¹, Fereydoon Yaryari², Qolamali Afrooz³ and Hasan Pashasharifi⁴

Abstract

Mal-reading is closely linked to language features, so, to diagnose it, these features should be considered. The method of the research was testing. The statistical population included second and third grade public primary school students of Ahvaz within 1392-93, from among whom 400 students were chosen as the sample using cluster sampling method. The special sample for post-testing included 160 students chosen randomly from the primary sample. The instrument was an informal reading test and to analyze data, descriptive and inferential statistics were used. Findings indicated that Chronbach's alpha for grade 2 was 0.90 (boys) and 0.73 (girls); for grade 3 it was 0.89 (boys) and 0.74 (girls). In post-testing, correlation co-efficient for grade 2 was 0.99 (boys) and 0.88 (girls) and for grade 3 it was 0.98 (boys) and 0.98 (girls) which was significant at 0.01 level. Validity of the test, based on factor analysis consisting of 8 factors, was calculated for grade 2 to be 0.67 (boys' variance) and 0.62 (girls' variance); for grade 3 it was 0.61 (boys' variance) and 0.66 (girls' variance). The present test was assumed to have good construct validity.

Key words: mal-reading, local scale, Persian language features

1 PhD Candidate of Psychology, Exceptional Children, Tehran Sciences and Research Branch, Tehran, Iran

2 Educational Psychology Department, Faculty of Psychology and Educational Sciences, Khwarizmi University, Tehran, Iran

3 Exceptional Children Education and Psychology Department, Faculty of Psychology and Educational Sciences, Tehran University, Tehran, Iran

4 Psychometrics Department, Faculty of Psychology, Islamic Azad University, Roodehen Branch, Roodehen, Iran

Comparison of Active Learning Attitude in Girls' General High Schools and High Schools for the Gifted Girls in Karaj City

Parnian Taqipoorhovezyi¹, Saeed Safaiemovahhed² and Zahra Lebadi³

Abstract

This study sought to compare active learning attitude in girls' general high schools and high schools for the gifted girls in Karaj city within 1391 – 1392. The statistical population of the research included all girls' high schools of Karaj. Based on Morgan's table, the sample consisted of 380 students. The research was of descriptive – survey type. To analyze data, independent groups T-test and Friedman's test were used. A researcher-made Likert-type questionnaire (based on David Silberman's active learning attitude) consisting of 8 components and 26 items was used. Face and content validity was confirmed by experts and the reliability was 0.75 based on Chronbach's alpha. Results indicated that, from among 8 components of active learning, instructional setting variety, group participation opportunity, benefiting from learners' profession, knowledge impartment, real problem solving, and association between new and previous learned materials did not create significant differences between two high school types. The component of "teaching content depth" was higher in high schools for the gifted and the balance rate among three domains of affection, cognition and behavior was higher in general high schools than high schools for the gifted.

Key words: active learning, gifted girls' high schools, general girls' high schools

1 M.A Holder of Educational Planning, Educational Sciences Department, Psychology Faculty, Alborz Sciences and Research Branch, Alborz, Iran Email: parnian.taghipour@yahoo.com

2 Assistant Prof. of Educational Sciences, Psychology Faculty, Tehran University, Tehran, Iran Email: s_s_movahed@yahoo.com

3 Assistant Prof. of Primary Education, Psychology Faculty, Islamic Azad University, Karaj Branch, Karaj, Iran Email: Zahra_lebady@yahoo.com

The Effect of Laughter Therapy and Physical Activities on the Elderly's Feeling of Solitude and Happiness

Samane Bayat¹, Asghar Jafari² and Masoome Behboodi³

Abstract

30 elderly, aged above 60 were selected randomly from among old people in Tehran and were assigned into two 15-member groups of experimental and control. The research method was semi-experimental pre-test-posttest. The two variables were measured using Russell and Ferguson's (1987) solitude scale and Oxford's happiness scale. Then, treatment programs were administered to the experimental group for ten sessions. After treatment, the group was post-tested and the data were analyzed using ANCOVA. Results indicated that laughter therapy and physical activities had significant effects on feeling of solitude and more on happiness. Results suggest that these variables influence feeling of solitude and happiness by creating changes in body's physiological aspects and cognitive processes.

Key words: laughter therapy, physical activities, feeling of solitude, happiness, elderly

1 M.A Holder of Counseling, Sciences and Research Arak Branch, Arak, Iran

2 Corresponding Author, Assistant Prof. of Counseling Department, Islamic Azad University, Abhar Branch, Abhar, Iran Email: Drasgharjafari@yahoo.com

3 Assistant Prof. of Islamic Azad University, Roodehen Branch, Roodehen, Iran

Relationship between Knowledge Management and Organizational Intelligence (Case Study: Educational Administrators in the West and Southwest Cities of Tehran Province)

Mehdi Behmanesh¹, Iraj Saiearasi² and Vahideh Alipoor³

Abstract

The current study aimed to investigate the relationship between Knowledge management and organizational intelligence among of educational administrators of the West and Southwest cities of Tehran Province. Descriptive-correlational study was conducted. The population under study consisted of all the 356 educational administrators of these regions. Using Stratified sampling, 185 educational Administrators were selected as the sample in the study. To collect data, the researcher used the questionnaires by Albrecht (2002) organizational intelligence, and Zarehkhilili's (2010) knowledge management. The validity of the questionnaires was confirmed by the experts in the field. The reliability of the questionnaire was measured using Cronbach's alpha. It showed that the reliability of organizational intelligence was 0.94, and knowledge management was 0.87. To analysis the data, the researcher used descriptive method of investigation as well as inferential methods (such as Pearson correlation coefficient and stepwise Regression). The results of the study showed that there was a relationship between knowledge management and its components - Knowledge creation, knowledge storage, knowledge sharing, and knowledge application - and that of organizational intelligence. Regression results show that knowledge management components - knowledge storage, knowledge sharing, and knowledge application - can predict organizational intelligence among the educational administrators in the West and Southwest cities of Tehran Province.

Keywords: Organizational Intelligence, Knowledge Management, Knowledge Creation, Knowledge Storage, Knowledge Sharing, Knowledge Application

1 M.A Holder of Educational Management, Islamic Azad University, Karaj Branch, Karaj, Iran

2 Assistant Prof. of Sociology, Sociology Department, Islamic Azad University, Abhar Branch, Abhar, Iran Email: saiearasi@gmail.com

3 Assistant Prof. of Educational Management, Islamic Azad University, Karaj Branch, Karaj, Iran

Architecture's Impact on Health: An Idea for "Therapeutic Architecture"

Aqil Emamqoli¹

Abstract

This Paper seeks to depict relationship between environmental architecture quality and users' mental health. Despite all modern findings, there are many factors threatening human beings' health especially mental health. The shelter environment made by human beings themselves can be a threatening factor. In this study, analyzing relationship between environmental architecture and mental health, some criteria have been developed to measure environmental architecture quality and a researcher-made questionnaire namely "environmental architecture satisfaction scale" was designed. Through this questionnaire, qualitative criteria were converted to quantitative ones and using correlation analysis a model was created to be compared to international standard questionnaires scores such as general health measurement questionnaire. Findings indicated a significant correlation. It can be concluded that increasing environmental architecture quality can improve general health especially mental health.

Key Words: health, architecture, environmental psychology, therapeutic architecture

¹Assistant Prof. of Architecture, Architecture Department, Islamic Azad University, Abhar Branch, Abhar, Iran Email: aghil.emamgholi@gmail.com

Investigation of Relationship between Organizational Justice and OrganizationalCitizenship Behavior among Payame Noor Staff

Abbasali Esmaealzade¹ and Abolfazl Qasemzade²

Abstract

Organizational justice refers to staff's realization and perception of the rate of justice and equality of manners and job affairs. OCB (organizational citizenship behavior) aims to help colleagues or organizations via a person which is not stated in job description but leads to efficiency. The sample included 197 staff members selected by randomization. The research was of descriptive-correlational type. The data were analyzed using correlation and stepwise regression. Results indicated that there was a significant correlation between organizational justice - distributional, procedural, and communicative – and that of OCB components. Considering this relationship, attention to organizational justice to increase staff's OCB is crucial.

Key Words: organizational justice, OCB, Payame Noor staff

1 PhD Candidate of Educational Management, Islamic Azad University, Karaj Branch, Karaj, Iran

2 Assistant Prof. of Educational Management, Shahid Madani University of Azerbaijan , Azerbaijan, Iran

Table of Contents



■ Investigation of Relationship between Organizational Justice and Organizational ... Abbasali Esmaelzade and Abolfazl Qasemzade	9
■ Architecture's Impact on Health: An Idea for "Therapeutic Architecture" Aqil Emamqoli	23
■ Relationship between Knowledge Management and Organizational... Mehdi Behmanesh , Iraj Saiearasi and Vahideh Alipoor	39
■ The Effect of Laughter Therapy and Physical Activities on ... Samane Bayat , Asghar Jafari and Masoome Behboodi	65
■ Comparison of Active Learning Attitude in Girls' General ... Parnian Taqipoorhoveyzi , Saeed Safaiemovahhed and Zahra Lebadi	83
■ Designing a Local Measurement and Diagnosis Scale for Mal-Reading ... Mahtab Sabzevari , Fereydoon Yaryari , Qolamali Afroz and Hasan Pashasharifi	105
■ The Effect of Staff's Personality Features on Organizational Citizenship ... Javad Mehrabi and Aliakabr Esmaelabadi	121
■ The Effect of Women's Employment on Family Saeed Maadani and Maryam Nezhadfallah	153





Islamic Azad University
Abhar Branch



A Quarterly Journal of Researches & Studies of Behavioral Sciences

Vol. 5. No. 19 Summer 2014

20

Concessionaire: IAU, Abhar Branch

Chief Director Dr. Iraj Saie Arasi (Assistant Prof. of Sociology)

Editor in-chief: Dr. Gasem Gazi (Prof. of Counselling)

Editorial Board: Dr. Amir Ashofte Tehrani (Prof. of sociology)

Dr. Mahmood Saatchi (Prof. of Psychology)

Dr. Farhad Shaghghi (Assistant Prof. of Psychology)

Dr. Bijan Asadzadeh Dehdai (Associate Prof. of Psychology)

Dr. Alireza Kakavand (Assistant Prof. of Psychology)

Executive Director: Dr. Saedeh Bazazian (Assistant Prof. of Psychology)

Persian Editor: Dr. Khalil Ghafelebashi (Assistant Prof. of Persian Literature)

English Editor: Mehran Ghafouri

Designer: Siamak Farkhojasteh

ISSN: 2011-2228-7884

This Journal has been indexed as SID

Reviewer: Dr. Mojtaba Amiri Majd

Vahideh Babakhani

Dr. Saedeh Bazzazian

Dr. Asgar Jafari

Dr. Farzaneh Khalili

Dr. Iraj Saie Arasi

Publisher : IAU, Abhar Branch Add : Faculty of Humanities, IAU, Abhar Branch
Tel : +982425232551 , +982425232559 , +982425272600 , +982425272603,
+982425226080 Fax : +982425226988 E-mail : aqjobs88@gmail.com

